

## کالبدشکافی تهدیدات با تأکید بر مفهوم امنیت ملی

مهدی زروندی<sup>۱</sup>

مریم یاری<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۳

### چکیده

تجربه کشورها نشان داده است که در هر کشور توجه به ظهور تهدید و فرایندهای گسترش آن، ضرورتی انکارناپذیر در تحقق منافع ملی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی است. علاوه بر این، شناخت تهدید به‌عنوان اولین مرحله مدیریت بحران و برنامه‌ریزی امنیت ملی نیز به‌شمار می‌رود. تصمیم‌گیرندگان و مدیران سیاسی کشورها با استفاده از مطالعات و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و اقتصادی می‌توانند برخی از تهدیدات و مخاطرات را کاهش دهند، هرچند با شکل جدیدی از تهدیدات امنیتی نیز مواجه هستند. این امر را می‌توان ناشی از «اصل دگرگون‌پذیری» و «تغییر در نوع تهدیدات» دانست. به‌طورمثال، برنامه‌های اول و دوم توسعه اقتصادی ایران به افزایش تولید و رشد اقتصادی منجر شد و میزان مصرف سرانه و همچنین تولید ناخالص داخلی را ارتقا بخشید، اما به‌موزات این فرایند، کشور شاهد ظهور شکل‌های جدیدی از تهدیدات امنیتی شده است. این مقاله فرایند تبدیل یک پدیده را به یک مسئله امنیتی بیان می‌کند. هدف مقاله، کالبدشکافی تهدیدات متصور در جامعه و تبیین فرایند گسترش آنها از یک پدیده به یک مسئله امنیتی است. روش پژوهش در بخش استفاده از منابع کتابخانه‌ای، توصیفی و در بخش موردکاوی کالبدشکافی تهدیدات از روش خبرگی و روش تحلیلی استفاده شده است. جامعه موردبررسی، تمام اسناد، مدارک و اطلاعات موجود در این بخش است. در پایان نیز بیان می‌دارد؛ چه موقعی می‌تواند یک تهدید موجود در جامعه تبدیل به یک موضوع امنیتی شود، که عوامل مؤثر بر این فرایند نیز آورده شده است.

**کلیدواژه‌ها:** امنیت ملی؛ منافع ملی؛ آسیب‌شناسی امنیت ملی؛ اهداف ملی؛ تهدیدات امنیت ملی

## مقدمه

شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، انسانی، فرهنگی و سیاسی در هر جامعه‌ای با تغییرات دائمی همراه می‌شود؛ این امر شکل تهدیدات<sup>۱</sup> را با دگرگونی و تغییر همراه می‌کند؛ به همین دلیل است که شناخت تهدیدات داخلی باید به گونه‌ای مرحله‌ای انجام پذیرد. شناسایی تهدیدات داخلی جدید را باید انعکاس فرایندهای عمومی دانست که در جامعه ظهور می‌یابد و فضای عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. چنین رویکردی، بیانگر این است که «معمای امنیتی»<sup>۲</sup> در حوزه امنیت اجتماعی و درون‌ساختاری وجود دارد. اگر موازنه امنیتی در توزیع و تخصیص منابع انجام نشود، طبعاً مخاطرات امنیتی به گونه‌ای مبهم، انعکاسی و پایان‌ناپذیر به وجود می‌آید. برای غلبه بر «معمای امنیتی» لازم است برنامه‌ریزی توسعه اجتماعی در ساختار داخلی به گونه‌ای متوازن و براساس عوارض امنیتی هر برنامه انجام شود. توجه‌نکردن به مخاطرات امنیتی برنامه‌نوسازی، شکل ناشناخته و غافلگیرکننده‌ای از تهدیدات را به وجود می‌آورد و این امر بحران اجتماعی را گسترش داده و ازسوی دیگر، زمینه‌های لازم افزایش آسیب‌پذیری امنیتی را در حوزه داخلی فراهم می‌سازد. بنابراین، لازم است چالش‌ها و آسیب‌های داخلی در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... شناسایی شود و مورد تحلیل قرار گیرد که توانایی تبدیل به تهدیدات و خطرهای امنیتی را داراست.

سؤال مهمی که در زمینه مقوله تهدید در ارتباط با مفهوم امنیت مطرح می‌شود، این است که چه زمان تهدید به موضوع امنیتی تبدیل می‌شود. در جواب به این سؤال بیشتر این گونه پاسخ داده‌اند که به نوع تهدید، چگونگی نگرش به آن و نیز میزان جدی‌بودن آن بستگی دارد. عوامل مؤثر در جدی‌بودن تهدید، مشخص‌بودن هویت، قریب‌الوقوع‌بودن یا نزدیکی آن از لحاظ فاصله، شدت احتمال وقوع و میزان پیامدهای احتمالی آن است. این سؤال در این حوزه مطرح است: «آیا اوضاع و موقعیت تاریخی باعث تقویت تهدید می‌شود؟ چنانچه دیگر شرایط تهدیدات مساوی باشد، استناد به امنیتی ملی برای کاهش در برابر آن مشروع‌تر خواهد بود؟ البته مسئله این است که همه این متغیرها قابل اندازه‌گیری نیست و یا حتی نمی‌توان آنها را به‌دقت برآورد کرد و اغلب در موقعیت پیچیده‌ای رخ می‌دهند که سبک و سنگین کردن آنها در طیف جدی تهدیدات، بسیار مشکل می‌نماید. این مقاله تلاش می‌کند به این سؤالات جواب بدهد و ضمن آن الگوهای تبدیل شدن تهدیدات را به موضوعات امنیت ملی،<sup>۳</sup> نشان دهد.

1. Threats  
2. Security puzzle  
3. National Security

## روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از نوع تحقیق توسعه‌ای و ازلحاظ روش، توصیفی - تحلیلی است که با استفاده از هیئت خبرگی در تعیین مصداق‌های راهبردی و کلیدی در حوزه تهدیدات با نظر به اینکه تمامی فعالیت‌های حوزه هدف باید به تأیید و انطباق هیئت خبرگی برسد، برای شکل‌گیری تعامل سازنده بین خبرگان، شکل می‌گیرد و نظارت بر روند کلی طرح و راهبری کلان آن و تصمیم‌سازی در مراحل مهم و حساس براساس مصداق‌های تعیین ماهیت و وظایف دست‌اندرکاران و موفقیت و کارآمدی در هدف تعیین می‌شود.

## مبانی نظری تحقیق

### ماهیت و مفهوم تهدید

تهدید در قاموس فارسی به معنای ترساندن و بیم‌دادن است، ولی در اصطلاح، هر چیزی است که بتواند ثبات و امنیت را در کشور به خطر بیندازد. در اصطلاح سیاسی هر اقدام و تحریک بالقوه و احتمالی سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی، که موجودیت و اهداف حیاتی فرد یا نهاد یا کشور را به خطر بیندازد تهدید به‌شمار می‌رود. از تهدید تعاریف گوناگون مبتنی بر هدف شده است که در این مقاله بعضی از این تعاریف بیان می‌شود.

- تهدید، بیان و ابراز قصد آسیب‌رساندن، نابود کردن و تنبیه کردن از روی انتقام به دلیل کار انجام گرفته یا ترساندن است.

- نشان‌دادن خطر، حادثه یا آسیب قریب‌الوقوع؛ بیان آشکار و صریح آسیب‌رساندن به کسی یا به دردسر انداختن فرد است.

- احتمال وقوع حادثه بسیار بد توسط شخص یا چیزی که به‌عنوان خطر شناخته می‌شود. قصد ابراز شده برای صدمه یا آسیب‌رسانی یا دیگر اقدامات خصمانه علیه کسی، شخصی یا چیزی که بتواند خطر ایجاد کند. هرگونه نشانه، حادثه یا وضعیتی که توان ایجاد خسارت و ضرر علیه دارایی را داشته باشد (مرادیان، ۱۳۸۸: ۵۶).

در مطالعات مربوط به امنیت، تهدید اغلب مفهومی سیاسی است که این اصطلاح در بسیاری از واژه‌نامه‌های علوم اجتماعی به‌عنوان مفهومی علمی به‌خوبی تعریف نشده است. برخی تحلیلگران در بررسی‌ها و مطالعات خود از مفهوم ارزیابی تهدید به‌عنوان یکی از دلایل برنامه‌ریزی‌های رزمی در

طول جنگ سرد استفاده می‌کنند. در این زمان مفهوم تهدید در چارچوب امنیت ملی و در اشاره به تهدید دوگانه ناشی از قدرت‌های دولتی و همچنین افکار آنها در قالب ایدئولوژی مطرح شده بود. علاوه بر این، در بررسی‌های امنیت ملی بین تهدیدات سه‌گانه جدایی قائل می‌شوند. این تهدیدات شامل تهدیدات نظامی (تهاجم، اشغال، تغییر دولت، دستکاری سیاسی)، تهدیدات اقتصادی (شیوه صادرات، محدودیت‌های واردات، دستکاری قیمت‌ها و ارز، به‌هم‌زدن وضعیت ثبات داخلی) و تهدیدات زیست‌محیطی (آسیب‌رساندن به پایه فیزیکی دولت) است. این تهدیدات بیش از هر عاملی می‌تواند دولت‌های ملی را آسیب‌پذیر کند. هرچندگاهی مقوله‌ای مانند گسترش تسلیحات نظامی می‌تواند به‌عنوان ترکیبی از توان و یا هدفی جدا از تهدید در نظر گرفته شود، خطرهای ناشی از خشونت‌های داخلی افزایش یافته و افزایش نقش بازیگران غیردولتی در تأمین منافع ملی به شکل‌گیری عوامل تهدیدزای جهانی مانند شبکه تروریست‌ها و تروریسم ساختاری و همچنین گونه‌های جدید خشونت ساختاری منجر شده است؛ لذا با گسترده‌تر شدن مفهوم امنیت، خطرهای پیچیده‌تر و کم‌تر قابل محاسبه شده است (Brauch, 2011: 62 - 63). مکتب تفسیری می‌گوید تهدید ادراک تهدید است. تهدید اعلامی است؛ به این معنا که بازیگر اصلی امنیت‌ساز اعلام کند که تهدید امریکا علیه ما جدی است (قابل درک است) و سپس کارشناسان به موقعیت و وضعیت آن بپردازند.

لرنر، تهدید را هر چیزی می‌داند که بتواند ثبات و امنیت را در کشور به‌خطر اندازد. او معتقد است تهدیدات، منافع ملی را هدف قرار می‌دهد. مفهوم تهدید در نگرش سامانه‌ای، عدم تعادل در سامانه بیان شده است. در پاره‌ای از متون نیز تهدید به معنای توانایی‌ها، نیت و اقدامات دشمنان بالفعل و بالقوه برای جلوگیری از دستیابی خودی به مقاصد امنیت ملی تعریف شده است (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۹: ۶۸).

به‌طور کلی، هدف هر نوع تهدید، تأثیرگذاری بر اندیشه، عواطف، اراده و حتی به‌تسلیم کشاندن حریف است که هدف اصلی تحمیل اراده به نیروی مقابل است. تفاوت تهدیدات در به‌کارگیری روش‌ها و ابزارهاست. تهدید می‌تواند با تأکید بر توان فیزیکی (لشکرکشی، اشغال خاکریز و سرزمین، نابودی و کشتن انسان‌ها و ویران کردن مراکز اقتصادی) و یا می‌تواند با تکیه بر روش‌های سیاسی، روانی و شیوه‌های غیرخشونت‌آمیز و با به‌کارگیری قدرت نرم، برای تأثیرگذاری بر اراده حریف و نیروی مقابل انجام شود (هاشمی، ۱۳۹۰: ۵۳).

منظور این مقاله از تهدید، هر اقدامی است که هر نظام را از تعادل خارج کند. این تعریف بیش از هر اصطلاحی با مفهوم بحران ارتباط دارد.

## عوامل جداکننده تهدیدات

تهدید با مفهوم امنیت ملی و اهداف ملی کشور، ارتباط مستقیمی دارد. تهدیدات امنیت ملی را می‌توان تهدیدهایی دانست که اهداف و ارزش‌های حیاتی کشور را به گونه‌ای در معرض خطر قرار می‌دهند که بیم آن می‌رود در آن اهداف و ارزش‌ها، تغییر ماهوی و اساسی صورت پذیرد. از آنجا که اهداف و ارزش‌های هر جامعه‌ای با جامعه دیگر متفاوت است، مفهوم تهدیدات و امنیت نیز انتزاعی و نسبی است (طیب‌نیا، ۱۳۹۱: ۲۵۶).

شاید وجه نظامی امنیت رایج‌ترین شکل در تهدیدشناسی‌ها و بررسی‌های مربوط به امنیت باشد، اما تنها وجه نیست. جامعه نیازمند گونه‌های مختلف امنیت ملی است و این امر بیش از هر عامل در سایه شناخت عوامل یا عناصر تهدید امنیتی امکان‌پذیر خواهد بود. در واقع، علاوه بر جنبه نظامی تهدید، جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، محیطی، انرژی و منابع طبیعی و اقتصادی نیز اهمیت دارد. این عناصر در شناخت مؤلفه‌های امنیت ملی به تحلیلگران امنیت، کمک زیادی می‌کند؛ به عبارتی عناصر و مؤلفه‌های غیرنظامی تهدیدات به‌عنوان بخش مهمی از مطالعات تهدیدشناسی‌ها در نظر گرفته می‌شود (Upeka, 2016).

در یک بررسی کلی، مهم‌ترین عوامل جداکننده تهدیدات عبارت است از:

۱. منافع ملی؛
۲. توانمندی موضوع یا واحد مورد تهدید؛
۳. اوضاع محیطی؛
۴. قدرت و توانایی تهدید؛
۵. زمان (ممکن است موضوعی در یک زمان تهدید باشد و در زمان دیگر تهدید نباشد)؛
۶. تصور از اقدامات یا پدیده‌ها (می‌توان پدیده‌ها را تهدیدزا یا تهدیدزدا درک کرد) (بی‌نا، ۱۳۸۸: ۲۸).

### سنخ‌شناسی تهدیدات<sup>۱</sup>

تهدید از سه بخش اساسی «کارگزار یا عامل تهدید»<sup>۲</sup>، «حوزه تهدید»<sup>۳</sup> و «موضوع تهدید»<sup>۴</sup> تشکیل شده است. عامل تهدید در واقع هویت (شخصی یا سازمانی) یا چیزی است که به‌طور بالفعل یا بالقوه، توانایی ایجاد، انتقال یا پشتیبانی از تهدید را دارد. درحالی که حوزه تهدید، هویت یا چیزی است که

---

1. The typology of threats  
2. Agent or threat agent  
3. The scope of the threat  
4. Threat issue

موجودیت و یا دارایی‌های حیاتی آن در معرض خطر قرار گرفته و در نهایت موضوع تهدید، وضعیت، پدیده، فعالیت یا رخدادی است که به نظر می‌رسد توان درونی و بیرونی انتقال، پشتیبانی یا ایجاد خطر در موجودیت یا دارایی‌های حیاتی بازیگر مورد آماج را در خود دارد (تصویر ۱).



تصویر ۱: اجزای تهدید

#### ۱. موضوع تهدید

تهدید<sup>۱</sup>، واژه‌ای است که باید معنا و مفهوم آن استخراج شود. از سوی دیگر در توصیف این واژه باید از تعاریف عمومی خارج شد و به توصیفی خاص رسید، زیرا تعاریف عمومی، مختص زبان عمومی است و بیشتر به صورت محاوره‌ای و در گفتگوهای معمولی سودمند است (آزر و این‌مونگ، ۱۳۷۷).

ریچارد اولمان<sup>۲</sup> در تعریف خود، تهدیدات امنیت ملی را مدنظر قرار می‌دهد و می‌نویسد: "تهدیدات امنیت ملی اقدام یا سلسله رویدادهایی است که به شکل مؤثر و در دوره زمانی نسبتاً کوتاهی، خطر افت کیفیت زندگی برای ساکنان کشور را پیش آورد و نیز با خطر جدی کاهش طیف خط‌مشی‌هایی همراه باشد که حکومت کشور یا واحدهای غیر حکومتی خصوصی هر کشور (اشخاص، گروه‌ها و شرکت‌ها) می‌توانند میان آنها به انتخاب دست بزنند" (بوزان<sup>۳</sup>، ۱۳۷۸). در این تعریف، کاهش طیف خط‌مشی‌ها را می‌توان کاهش گزینه‌های انتخابی کشور در تصمیم‌گیری‌های راهبردی به‌منظور پیشبرد منافع معنا کرد.

1. Treath  
2. Richard Ulman  
3. Buzan, Barry

کارل روپر<sup>۱</sup> نیز تهدید را با جهتگیری تهدید علیه زیرساخت‌های حیاتی ارائه می‌کند. وی معتقد است تهدید، «هرگونه نشانه، حادثه یا شرایطی است که توان ایجاد خسارت و ضرر علیه دارایی را داشته باشد» (بوزان و ویورالی، ۱۳۸۶). این تعریف، تهدید را براساس اهداف مرجع مشخص می‌کند که در اینجا دارایی‌های کلیدی است. روپر در جای دیگری آن را مقصد و توان دشمن برای عملاتی که منافع کشور را به خطر اندازد، تعریف کرد (تریف و دیگران، ۱۳۸۳).

معناسازی تهدید با قدرت حمله یکی دیگر از تعاریف است. براین اساس، تهدید، «سنجش قدرت حمله است که با توجه به عواملی نظیر توانایی و انگیزه تهدیدگر یا مهاجم و چگونگی اعمال آن بیان می‌شود» (عبداله‌خانی، ۱۳۸۵). با توجه به رابطه عامل یا کارگزار تهدید و حوزه آن، موضوع تهدید، پدیده‌ای بیناذهنی است. مفهوم بیناذهنی به این مهم اشاره دارد که تهدید در رابطه عامل تهدید و حوزه تهدید ساخته می‌شود. در این چارچوب هستی سیاسی و اجتماعی، آگاهی بیناذهنی است. براین اساس، افکار، مفاهیم، زبان، گفتمان و نشانه‌ها به صورت متقابل با نیروها و محیط مادی، تهدیدات را شکل می‌دهد و لذا ممکن است با تغییر افکار، عقاید و مفاهیم، بازیگران یا محیط تهدیدات تغییر کنند یا از بین بروند. برای مثال، با تغییر رژیم بعث عراق به عنوان بازیگر و دارای مجموعه‌ای از عقاید، در عمل بخش عمده‌ای از تهدیدات جمهوری اسلامی ایران از ناحیه عراق از بین رفت (عبداله‌خانی، ۱۳۸۶).

سازهانگاران مدعی هستند مفهوم تهدید دچار مشکل است. در این زمینه تهدید، ساختن بخشی از ساختمان دیگری است و این دیگری، هویتی است آکنده از ویژگی‌هایی که ضد ویژگی‌ها و مطلوبیت‌های خودمان می‌انگاریم. بنابراین، یک راه این است که به جای اینکه به بیرون چشم بدوزیم به خود بنگریم و نگران تهدیداتی باشیم که به صورت خودخوانده به وجود آورده‌ایم (عبداله‌خانی، ۱۳۸۶). بنابراین، در نظر سازهانگاران تهدید می‌تواند وجود خارجی نداشته باشد، اما از سوی ادراک‌کننده جدی قلمداد شود، ضمن اینکه می‌تواند توسط خود تهدیدشونده ساخته شده باشد.

باری بوزان نیز معتقد است به دو دلیل تهدیدات را مشکل می‌توان شناخت: دلیل اول به مسئله ذهنی یا عینی بودن تهدید و دوم به مشکل تشخیص تهدیدات امنیتی از غیرامنیتی باز می‌گردد و لذا به راحتی نمی‌توان گفت همه تهدیدات، مسائل امنیت ملی است. وی معتقد است تفاوت میان چالش‌های عادی و تهدیدات امنیتی را باید از روی طیف گسترده تهدیدات، شناسایی کرد. اینکه به طور دقیق کدام نقطه در این طیف باید آغاز مسئله امنیت ملی تلقی شود، بیشتر تابع انتخاب‌های سیاسی است (عبداله‌خانی،

1. Carl Roper

۱۳۸۳). موضوع تهدید که می‌تواند وضعیت، پدیده، روند، جریان یا رویدادی باشد در واقع، ظرف تهدید و نشان‌دهنده موجودیت، طبیعت و ویژگی‌های تهدید است. رابطه میان عامل و حوزه تهدید بدون موضوع آن بی‌معناست. این موضوع تهدید است که به چنین رابطه‌ای معنا می‌دهد و باعث تکمیل شدن سازمان معنایی تهدید می‌شود (تصویر ۲).

عامل تهدید	موضوع تهدید	حوزه تهدید
امریکا	حمله نظامی	جمهوری اسلامی ایران
رژیم صهیونیستی	سلاح‌های هسته‌ای	جمهوری اسلامی ایران
رژیم صهیونیستی	محاصره نوار غزه	مردم غزه و دولت حماس
رژیم صهیونیستی	تجاوز، اشغال اراضی، اقدامات تروریستی	لبنان و فلسطین
زلزله	زلزله تهران	ساکنان پایتخت (تهران) و وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران
گروه‌های تروریستی (داعش، القاعده و...)	اقدامات تروریستی	مردم و دولت عراق و سوریه (و افغانستان)

#### تصویر ۲: نمونه‌های تهدید در سازمان معنایی تهدید

همواره ابهامی اساسی در زمینه موضوع تهدید وجود داشته است. آیا موضوع تهدید چیزی است که هنوز واقع نشده است و احتمال وقوع آن می‌رود و بر اساس ترساندن مورد استفاده قرار می‌گیرد؟ آیا موضوع تهدید به پدیده یا رویدادی که در حال رخ دادن است و امنیت سامانه مورد نظر را به خطر انداخته است نیز اطلاق می‌شود یا چنین چیزی از حوزه تهدید خارج و وارد حوزه‌های دیگر مثل «حمله» می‌شود؟

در پاسخ به این سؤالات می‌توان گفت موضوع تهدید، صرفاً پدیده یا وضعیتی احتمالی با ویژگی ایجاد ترس نیست. هرچند بخشی از موضوعات تهدید چنین هست (کاستلز، ۱۳۸۰)؛ بنابراین، موضوع تهدید می‌تواند پدیده، رویداد یا وضعیت مربوط به قبل از وقوع و یا قبل از آسیب‌رساندن به اهداف مرجع امنیتی باشد، مثل موضوع تهدید حمله نظامی با عاملیت امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران. در اینجا موضوع تهدید هنوز حادث نشده است، درحالی‌که برخی از تهدیدات مثل موضوع تهدید اقدامات تروریستی با عاملیت گروه‌های افراطی علیه مردم و دولت عراق تهدیدی است که پیش آمده و به اهداف مرجع امنیتی نیز صدمه زده است، اما هنوز تهدید قلمداد می‌شود. بنابراین، می‌توان نتیجه



گرفت نامیدن یک موضوع به عنوان تهدید الزاماً به موضوعاتی مربوط نیست که هنوز به منصفه ظهور نرسیده یا پدیدار نشده است.

سؤال دیگر قابل طرح در زمینه موضوع تهدید این است که اساساً چه موقع، موضوعی در مجموعه موضوعات تهدید آمیز قرار می گیرد یا واجد شرایط مفهوم تهدید می شود؟ در پاسخ باید گفت که این امر، مستلزم سه شرط است: اول میان عامل تهدید، حوزه تهدید و هدف مرجع تهدید رابطه باشد؛ یعنی این شرایط موجود باشد:

- موضوع تهدید، هدف یا اهداف مرجع امنیتی را نشانه رفته باشد؛

- موضوع تهدید از سوی تهدید شونده امنیتی و واجد شرایط تهدید امنیتی شناخته شده باشد؛

- بتوان برای موضوع تهدید، عامل آن را شناسایی کرد و عامل تهدید به صورت بالقوه یا بالفعل

توانایی ایجاد، انتقال یا پشتیبانی از تهدید را داشته باشد.

شرط دوم به هويت تهدید باز می گردد؛ یعنی اینکه موضوع تهدید باید هویتی مستقل پیدا کرده باشد. بنابراین، پدیده ها، روندها یا وضعیت هایی که خود به عنوان تهدید، هويت مستقلی پیدا نکرده باشد، نمی تواند موضوع تهدید قرار گیرد. هويت مستقل پیدا کردن تهدید به معنای انباشته شدن، متراکم شدن، دارای مرزهای مشخص و قابل جدا شدن با دیگر موضوعات و نمایان شدن آن به عنوان پدیده یا وضعیتی مستقل و مؤثر نزد حوزه تهدید (تهدید شونده) باشد.

بنابر شرط سوم در درون پدیده، وضعیت یا روند به عنوان موضوع تهدید، نیروی لازم برای به خطر انداختن بقای اهداف مرجع امنیتی یا دارایی های کلیدی حوزه تهدید (تهدید شونده) می تواند وجود داشته باشد. وجود نیرو به معنای امکان درونی موضوعی است که به عنوان تهدید قد برافراشته است (عبداله خانی، ۱۳۸۶: ۳۰).

## ۲. عامل تهدید

تهدید بدون عامل، هیچ گاه نزد حوزه تهدید (تهدید شونده) یا بازیگر مورد تهدید یا ادراک کننده تهدید ایجاد نمی شود؛ اما عامل می تواند یک بازیگر امنیتی مانند «دولت یا نهاد بزرگ دولتی»، فرایندی نامطلوب مانند «فرایند امنیتی کردن موضوعات توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد»، ساختاری مانند «ساختار تک قطبی نظام بین المللی»، چیزی مانند «سلاح های هسته ای یا موشک های ضد موشک» یا وضعیتی طبیعی مانند «زلزله» باشد.

بازیگران یا سامانه ها با توجه به اهداف مرجع و دارایی ها ممکن است به طبقه بندی عوامل تهدید

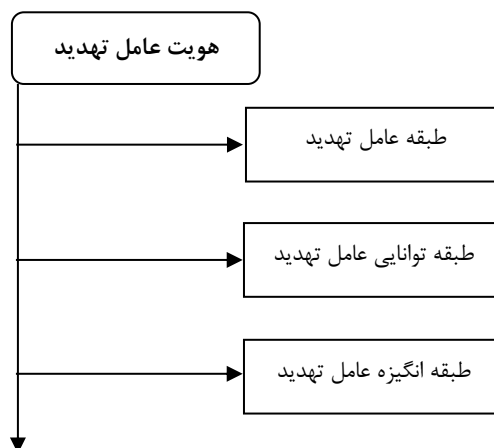
پیردازند. این طبقه‌بندی می‌تواند تعیین یک سیاست نیز باشد که در تشخیص عوامل مشخص برای تهدیدات مشخص می‌تواند سودمند باشد؛ برای مثال، ممکن است یک سامانه «ملل و دولت‌های دشمن»، «تروریسم و سازمان‌های تروریستی»، «عوامل کوچک قدرتمند ضدخودی مثلاً در حد یک فرد»، «کارتل‌ها و شرکت‌های بزرگ امپریالیستی» و «سازمان‌های جنایی» را در مجموعه طبقات عامل تهدیدکننده خود به حساب آورد. این طبقه‌بندی می‌تواند در تشخیص عامل تهدیدات مشخص سودمند واقع شود.

چنانچه سامانه‌ای معتقد باشد که ملل و دولت‌های دشمن از عوامل تهدید هستند در اینجا باید از طریق معیارهای موردنظر به تعیین ملل یا دولت‌های دشمن پردازد؛ برای مثال، ممکن است جمهوری اسلامی ایران در تعیین ملل یا دولت‌های دشمن معیارهای زیر را به کار گیرد:

- حاکمیت‌هایی که براندازی و تجزیه حاکمیت سرزمینی جمهوری اسلامی یکی از اهداف و دغدغه‌های مهم آنان است و برای نابودی آن به صورت نظام‌مند، برنامه‌ریزی و تلاش می‌کنند.

- حاکمیت‌های غیرمسلمانی که به‌زور سرزمین‌های اسلامی را غصب و مسلمانان آن دیار را به صورت ساختارمند قتل عام می‌کنند و یا شیعه‌کشی را در برنامه‌های اصلی خود گنجانده‌اند.

عامل تهدید را از جهت هویت عامل تهدید می‌توان مورد تحلیل و بررسی قرار داد که به این دلیل شامل سه جزء «طبقه عامل تهدید»، «طبقه توانایی عامل تهدید» و «طبقه انگیزه عامل تهدید» است (عبداله‌خانی، ۱۳۸۶: ۳۵) (تصویر ۳).



تصویر ۳: ساختار طبقاتی عامل تهدید

گاهی در نظر گرفتن برخی ملت‌ها یا دولت‌های دشمن به صورت عوامل بالقوه تهدید، بیانگر این است که اقدامات دشمن از هر نوع و شکلی که باشد در نگاه اول می‌تواند به صورت تهدید نگریسته شود؛ مگر اینکه شواهدی دال بر عدم تهدید از سوی آنان برای اثبات وجود داشته باشد.

در دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی در امریکای لاتین، شرکت‌های بزرگ و کارتل‌های اقتصادی به دیده تهدید نگریسته می‌شدند؛ این نشان می‌دهد که به رغم فرصت‌ز بودن وجود چنین واحدهایی، ممکن است در یک سامانه، شرکت‌های بزرگ و کارتل‌های اقتصادی، عامل تهدید قلمداد شوند. در چارچوب این نگاه، ممکن است جمهوری اسلامی ایران تمامی شرکت‌هایی را عامل تهدید قلمداد کند که سهام‌داران اصلی آن صهیونیست‌ها باشند. بنابراین، این گونه شرکت‌ها به صورت بالقوه تهدید هستند؛ لذا در این وضعیت و براساس تهدیدات خاص، چنانچه عوامل صدمه به دارایی‌های کلیدی جمهوری اسلامی ایران، یکی از این شرکت‌ها باشد، می‌توان بی‌درنگ آن را عامل تهدید تلقی کرد. ممکن است یک یا چند کشور، فرد به خصوصی را در چارچوب «عامل قدرتمند کوچک»<sup>۱</sup> به عنوان عامل تهدید شناسایی و تعیین کنند؛ مثلاً آریل شارون، نخست‌وزیر سابق رژیم صهیونیستی از سوی بسیاری از دولت‌ها و ملت‌ها عامل قدرتمند کوچک تهدیدگر شناخته شده بود. طبقات تهدید را نیز می‌توان اولویت‌بندی کرد که البته به نظر می‌رسد این کار تا حدود زیادی سودمند و ضروری است؛ برای مثال، ممکن است در طبقه‌بندی عوامل «ملل و دولت‌های دشمن» را اولین و اصلی‌ترین عامل تهدید در نظر گرفته و «گروه‌های قدرتمند کوچک» به عنوان آخرین عامل در طبقه‌بندی عوامل تهدید، گنجانده شود (عبداله‌خانی، ۱۳۸۶: ۳۴).

طبقه‌بندی توانایی‌های عامل تهدید نیز یکی از اجزای تحلیل هویت عامل تهدید است. عوامل تهدید را می‌توان به «بر قدرت»<sup>۲</sup>، «قدرت‌های بزرگ»<sup>۳</sup>، «قدرت‌های منطقه‌ای»<sup>۴</sup>، «قدرت‌های محلی»<sup>۵</sup> (یعنی فقط در سرزمین خود توانایی اعمال قدرت دارند) و «دولت‌های ورشکسته» تقسیم کرد و براین اساس به تحلیل توانایی آنها پرداخت. بدیهی است ابرقدرت‌ها از حیث توانایی در صدر اولویت عوامل تهدیدزا و دولت‌های ورشکسته در پایین‌ترین رده قرار خواهند داشت. البته این نوع طبقه‌بندی

۱. عامل قدرتمند کوچک عاملی است که با استفاده از توانایی‌های فکری و رفتاری می‌تواند وضعیت را به نحو مطلوب تغییر دهد.

2. Superpower  
3. Great powers  
4. Regional powers  
5. Local powers

بیشتر برای تهدید برپایه عوامل ساختگی سودمند است؛ اما اگر عامل تهدید طبیعی باشد، مانند زلزله یا یک وضعیت جهانی باشد، مانند گرم شدن کره زمین، این نوع طبقه‌بندی برای تعیین توانایی عامل تهدید سودمند نیست. طبقه‌بندی انگیزه عامل تهدید آخرین جزء تحلیل هویت عامل تهدید است. این انگیزه می‌تواند سیاسی، ایدئولوژیک، دینی، شخصی، مادی و مواردی از این دست باشد؛ با وجود این، لازم است طبقه‌بندی معقولی از انگیزه عامل تهدید ارائه شود. البته تعیین انگیزه عامل تهدید صرفاً به تهدیدات مبتنی بر عوامل ساختگی مربوط است و گرنه تهدیدات مبتنی بر عوامل طبیعی مانند زلزله نمی‌تواند انگیزه داشته باشد. بنابراین، می‌توان انگیزه و عوامل تهدید را به چهار دسته اصلی به این شرح طبقه‌بندی کرد:

- انگیزه‌های ایدئولوژیک؛

- انگیزه‌های منفعت‌محور (سرد)؛

- انگیزه‌های فردی؛

- انگیزه‌های ملی.

این انگیزه‌ها می‌تواند ترکیبی باشد و می‌توان انگیزه‌های دیگری را به این مجموعه اضافه کرد، اما به نظر می‌رسد اصلی‌ترین انگیزه‌ها نزد عوامل تهدید، موارد یادشده باشد. مثلاً ممکن است رژیم صهیونیستی و امریکا در تهدید جمهوری اسلامی ایران دارای انگیزه ایدئولوژیک باشند. در این چارچوب انگیزه‌های اعتقادی، دینی، مذهبی یا نظریه سیاسی نیز گنجانده می‌شود (عبداله‌خانی، ۱۳۸۶: ۳۶).

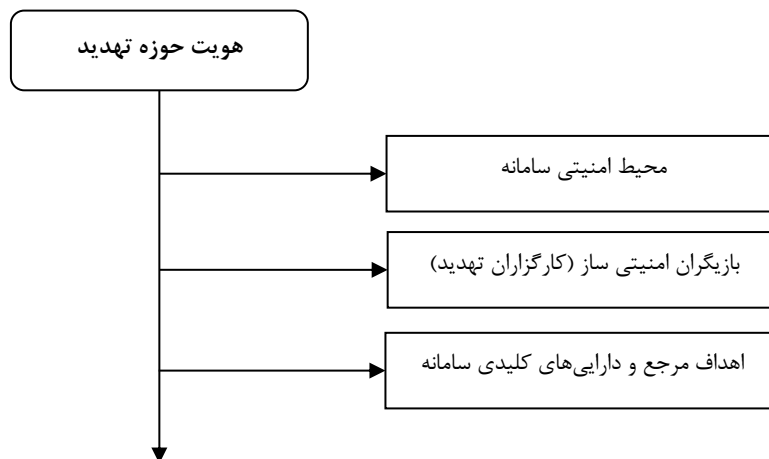
اگر بخواهیم انگیزه‌ها را اولویت‌بندی کنیم، شاید انگیزه ایدئولوژیک در صدر اصلی‌ترین انگیزه‌های تهدید قرار گیرد، زیرا این انگیزه فکر حاکمیت یا اعتقادات اساسی مردم جامعه موردنظر را نشان‌روی می‌کند و به دنبال آن به نظر می‌رسد انگیزه‌های ملی از اهمیت بیشتری برخوردار باشد که به هویت ملی، تمامیت ارضی و یکپارچگی سرزمینی مربوط است. انگیزه‌های منفعت‌محور بیشتر به منظور حفظ دارایی‌های مادی یا توسعه آنها تحریک می‌شود. برای نمونه، چنانچه تقسیم خزر به عنوان چالش نگریسته شود، بیشتر بازیگران و عوامل تهدیدزا، انگیزه منفعت‌محور یا ملی دارند؛ یعنی عوامل تهدید، توسعه سرزمینی و دستیابی به منابع انرژی را اصلی‌ترین انگیزه‌های خود قرار داده‌اند. در این میان، انگیزه‌های ملی بیشتر به مسئله بقای سرزمین و یکپارچگی و هویت ملی باز می‌گردد. پس از اولویت‌بندی انگیزه‌ها به ایدئولوژیک و انگیزه‌های ملی به نظر می‌رسد انگیزه‌های

### کالبدشکافی تهدیدات با تأکید بر مفهوم امنیت ملی

منفعت محور و فردی اولویت‌های بعدی را تشکیل دهد. در این چارچوب انگیزه‌های فردی می‌تواند به انگیزه‌های شخصی اصلی‌ترین بازیگران ایجادکننده تهدید مربوط باشد؛ مثلاً چنانچه فرض شود تهدیدات لفظی رئیس‌جمهور کنونی امریکا نسبت به ملت ایران می‌تواند تهدیدی فردی به‌شمار رود؛ این امر به‌عنوان اظهارنظر تهدیدآمیز و به‌عبارتی تهدید شخصی یک مقام رسمی امریکایی تلقی می‌شود.

#### ۳. حوزه تهدید

حوزه تهدید به تهدیدشونده مربوط است. درک حوزه تهدید براساس درک بخش‌های مختلف مرتبط با آن انجام‌شدنی است (تصویر ۴).



تصویر ۴: هویت حوزه تهدید

حوزه تهدید بر سه پایه «محیط امنیتی»، «بازیگران امنیتی ساز» و «اهداف مرجع و دارایی‌های کلیدی» قرار دارد. در این چارچوب محیط امنیتی به محیط جغرافیایی اطلاق می‌شود که در آن دو معیار «وابستگی متقابل امنیتی» و «الگوهای دوستی و دشمنی» همواره و با قوت موجود باشد. تعیین مرزهای محیط امنیتی در محیط امنیتی از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ زیرا مرزهای محیط امنیتی، سرحدات شناسایی و تعیین اهداف مرجع و دارایی‌های کلیدی را مشخص می‌کند. بازیگران امنیتی ساز به بازیگرانی اطلاق می‌شود که در داخل سامانه و مجموعه امنیتی با سامانه قرار گرفته و توانایی امنیتی یا غیرامنیتی کردن پدیده‌ها، موضوعات یا روندها را داشته باشد. اهداف مرجع و دارایی‌های کلیدی،

مهم‌ترین بخش هویت حوزه تهدید را تشکیل می‌دهد. اهداف مرجع به چیزهایی گفته می‌شود که ادعای مشروع بقا در مورد سامانه مورد نظر را همراه داشته باشد. برای مثال، هویت ملی در چارچوب دولت - کشور به مثابه یک سامانه می‌تواند هدف مرجع باشد، زیرا یکی از مؤلفه‌های بقای چنین سامانه‌ای، هویت ملی است. دارایی‌های کلیدی به تأسیسات، تجهیزات، ارتباطات، اطلاعات، سازمان‌ها و تمام چیزهایی گفته می‌شود که حیات مادی سامانه به شدت به آنها وابسته است؛ مانند چاه‌های نفت، شبکه‌های گازی، خطوط حمل و نقل یا دانشمندان و متخصصان. اهداف مرجع و دارایی‌های کلیدی، اصلی‌ترین و مهم‌ترین بخش هویت حوزه تهدید را تشکیل می‌دهند. مبنای شکل‌گیری تهدیدات نیز این بخش از هویت حوزه تهدید است (عبداله‌خانی، ۱۳۸۶: ۳۶).

حوزه تهدید در واقع محیطی مادی - فرهنگی است که می‌تواند کشور، سازمان یا شهر باشد که همه آنها را یک نظام می‌نامیم. چنانچه کشور را حوزه تهدید فرض کنیم، «محیط امنیتی»، «بازیگران» و در پی آن «اهداف مرجع و دارایی‌های کلیدی کشور مورد نظر» موضوع تهدید را شکل می‌دهند؛ لذا هرگونه تهدیدی علیه عناصر سه گانه تهدید علیه حوزه تهدید شناخته می‌شود.

#### شاخص‌های سنجش تهدیدات

##### عمق تهدید

هر تهدیدی، عمقی دارد که براساس میزان عمق تهدید می‌توان آن را دسته‌بندی کرد. یک شاخص اندازه‌گیری عمق تهدید، مفهوم منافع ملی است که به‌رغم ایرادات وارد بر آن، هنوز هم حفظ شده و دارای اعتبار است. این مفهوم کمک می‌کند عمق تهدید را بهتر اندازه‌گیری کنیم. منفعی که با آن می‌توان عمق تهدید را سنجید به سه دسته قابل تقسیم است که عبارت است از:

##### منافع بنیادین<sup>۱</sup>

منفعی است که نظام، نقد آنها را نمی‌پذیرد و خدشه‌ناپذیر است. اگر این منافع تغییر کند، نظام تغییر ماهوی می‌کند و به چیز دیگری تبدیل می‌شود. نمی‌توان روی این منافع معامله انجام داد. تعداد آنها محدود است و خط قرمز امنیتی را تشکیل می‌دهد.

##### منافع مهم<sup>۲</sup>

منفعی است که تعدادشان محدود است و به‌طور معمول معامله‌ای درخصوص آنها صورت

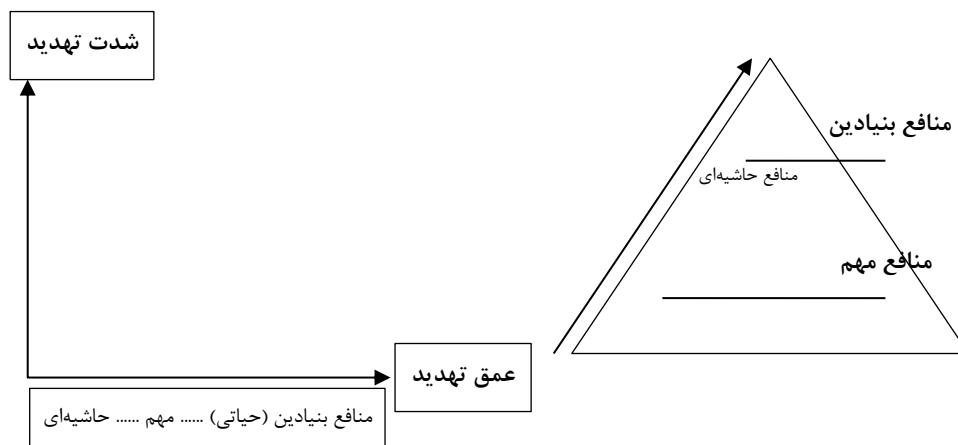
1. Basic interests  
2. Important interests

نمی‌گیرد و به‌جز موارد استثنایی با آنها برخوردی مشابه با منافع بنیادین صورت می‌گیرد. منافع مهم، قابل معامله است و اگر در اثر معامله، منفعت مهم دیگری به‌دست بیاید، می‌توان آنها را معامله کرد و اگر بتوان منفعتی حیاتی را در ازای منفعتی مهم به‌دست آورد، اقدام بسیار خوبی صورت گرفته است. تعداد منافع مهم از منافع حیاتی بیشتر است.

#### منافع حاشیه‌ای<sup>۱</sup>

منافع حاشیه‌ای، خیلی زیاد، و ذاتاً و ماهیتاً برای مبادله در صحنه روابط بین‌الملل به‌وجود آمده است. کشورهایی که منافع حاشیه‌ای بیشتری برای خود تعریف کنند، موفق‌تر هستند (مرادیان، ۱۳۸۸: ۱۹۹).

هرچه مرکز ثقل منافع هر کشور به سمت قاعده هرم نزدیک‌تر باشد، کشور ثبات بیشتری خواهد داشت. با افزایش شدت تهدید، عمق تهدید نیز افزایش می‌یابد. دامنه تهدید زمانی گسترش می‌یابد که کشور/ بازیگران «الف»، دیگر کشورها را به همگرایی خود بکشاند و دامنه تهدید علیه کشور «ب» را توسعه دهد. درمقابل، کشور «ب» تلاش می‌کند با ایجاد ائتلاف، تمرکز دامنه تهدید علیه خود را بکاهد و از بین ببرد (تصویر ۵).



تصویر ۵: شاخص‌های سنجش تهدید

1. Marginal benefits

### شاخص ارزیابی تهدیدات

اولین شاخص که هر پدیده را تهدید معرفی می‌کند، ذهنیت تحلیلگران است، به گونه‌ای که اگر ارتباط پدیده با منافع ملی کم باشد و نتوان آن را به شدت تحت تأثیر قرار داد، پدیده را موضوعی امنیتی نمی‌نامند. در این حالت تهدید در پایین‌ترین سطح خود است و منافع ملی را به طور جدی به خطر نمی‌اندازد. در این وضعیت مدیریت پدیده نیز متفاوت خواهد بود. اگر ارتباط پدیده با منافع ملی زیاد باشد این نوع ارتباط پدیده با ساختار بررسی می‌شود. آیا می‌توان با حفظ ساختار موجود پدیده را مدیریت کرد یا نه؟ در این حالت پدیده به دو بخش تقسیم می‌شود:

۱. در چارچوب ساختارهای موجود قابل مدیریت است.

۲. در چارچوب ساختارهای موجود قابل مدیریت نیست

در حالت اول، پدیده، مسئله‌ای ذوامنتی خوانده می‌شود؛ یعنی در چارچوب‌های موجود قابل حل است، هر چند ممکن است از چارچوب‌های موجود برای حل آن استفاده نشده باشد. باید به یاد داشت که تا حد ممکن نباید اجازه داد یک پدیده به سطح بالاتر امنیتی ارتقا یابد. در این رابطه ظرفیت‌های نظام سیاسی، نقش بسیار مؤثری دارد. در این حالت باید بررسی شود آیا اساساً ظرفیت حل این پدیده وجود دارد یا خیر؟ اگر وجود دارد آیا از آن استفاده شده است یا خیر؟ اگر ظرفیت‌ها برای مدیریت پدیده کافی نبود و پدیده در چارچوب‌های موجود، مدیریت نشد یا ساختارهای موجود قادر به مدیریت پدیده نباشد، باید در ساختار تغییر ایجاد شود. این تحولات باید اصلاحی یا انقلابی، چارچوب را تغییر دهد. در تغییرات اصلاحی، مبادی نظام حفظ خواهد شد. در این حالت پدیده مشکل امنیتی خوانده می‌شود. در این حالت چون ظرفیت‌ها جوابگو نیست، طی اقدامات اصلاحی، ظرفیت‌های جدید ایجاد می‌شود (مشکل جایی است که ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل نظام، جوابگوی حل مشکلات نباشد). به-رغم حساسیت زیاد مشکلات هنوز هم با سازوکارهای اصلاحی می‌توان آنها را مدیریت کرد. اگر پدیده از این هم فراتر رود، تعارض به وجود می‌آید و تأثیر پدیده بر منافع ملی جدی است و پدیده وارد حوزه رفتاری می‌شود که نیازمند تغییرات بنیادین است.

در این فضا می‌توان چند وضعیت را تصویر کرد:

هر چه تهدیدات به حوزه‌های بنیادی و اصول و مبانی نظام مرتبط‌تر باشد، حساسیت بیشتری خواهد داشت. اگر کشور نیازمند ایجاد تغییرات ساختاری باشد و از ظرفی در ابعاد نظری به تغییر نیاز باشد ولی سامانه کلی نظام سیاسی کشور در بعد رفتاری عملکرد قابل انتظاری نداشته نباشد و همچنین تعارض یا



وجود تهدیدی که به دنبال آن منافع نظام قابل پیگیری نباشد، پدیده به خطر امنیتی تبدیل شده است. در این مرحله تغییر زمانی ضروری است که از لحاظ نظری راهبرد و شیوه و اقدامات رفتاری نیز زیاد باشد، اما تعارض اندک یا به نوعی عدم تعارض باشد. در این صورت پدیده مسئله امنیتی خوانده می‌شود. بحث امنیتی نشان می‌دهد که تهدید فراگیر شده است.

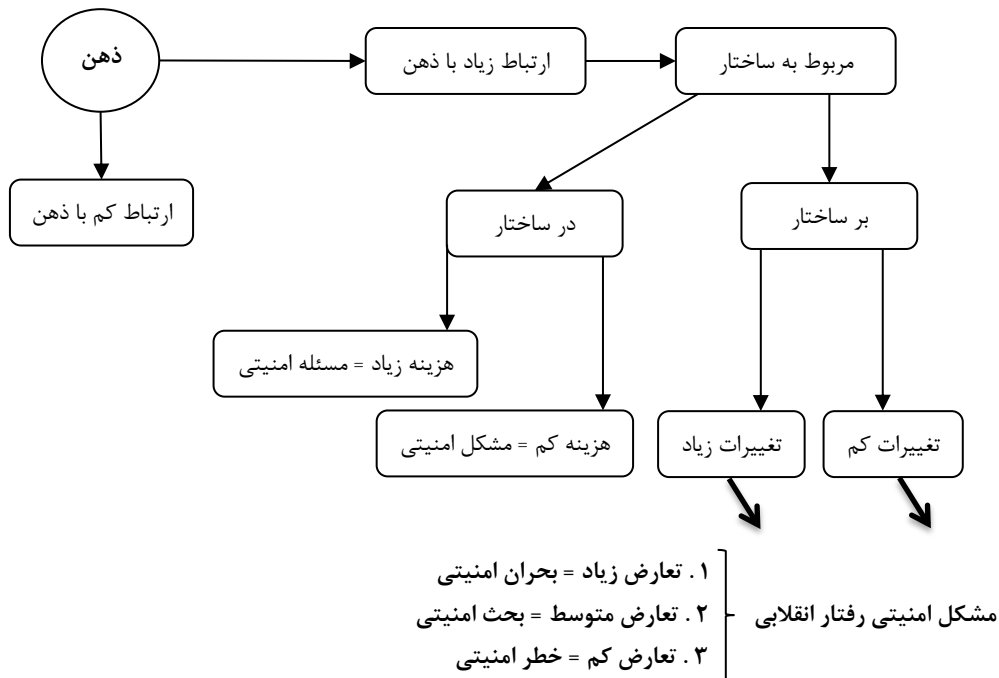
زمانی که پدیده به بحث امنیتی تبدیل می‌شود، به بدترین حالت خود نزدیک شده است. سرانجام اگر تعارض هم زیاد باشد، تهدید، بحران امنیتی خوانده می‌شود که در این حالت، ظرفیت‌های حل پدیده کافی بوده و منافع ملی به شدت تهدید می‌شود. نکته قابل توجه و مهم این است که مصداق تهدید با تلقی ذهنی از آن مرتبط است؛ مثلاً تقریباً در تمام نظام‌های سیاسی، بحران به عنوان بالاترین مرحله تهدید شناخته می‌شود؛ اما باید توجه کرد که تهدید در چه مرتبه‌ای و یا طیف تهدیدات گسترده و ارزش آنها متفاوت است. از طرفی مدیریت تهدید به ارزیابی از تهدید بستگی دارد، زیرا مدیریت ممکن است پدیده را مسئله‌ای امنیتی و دیگری بحث امنیتی بداند. در واقع، این مدیر و کنشگران هستند که تهدید را شکل می‌دهند یا وجود را از آن می‌گیرند (مرادیان، ۱۳۸۸: ۲۰۹).



موضوع امنیتی = مسئله امنیتی = مشکل امنیتی = معضل امنیتی = خطر امنیتی = بحث امنیتی = بحران امنیتی

#### لایه‌های تهدید<sup>۱</sup>

اگر پدیده، ارتباطی هرچند کم با موضوعات برقرار کند، موضوع امنیتی است. اگر نتواند رابطه برقرار کند، موضوع، طرح امنیتی نخواهد بود. اگر پدیده با موضوع، ارتباطی هرچند کم برقرار نکند و ارتباط زیادی با امنیت برقرار کند به بررسی ساختار لایه‌های مختلف می‌پردازد (تصویر ۶).



تصویر ۶. لایه‌های مختلف تهدید

### ماهیت تهدیدات<sup>۱</sup>

هر جامعه‌ای شامل اجزای مختلف و پایداری است. تهدید نسبت به هر یک از آنها ماهیت تهدیدات را تشکیل می‌دهد، به همین دلیل، تهدیدات گاهی ماهیت سیاسی دارد؛ بعضی اوقات ماهیت اقتصادی و یا ممکن است ماهیت اجتماعی و فرهنگی و یا نظامی پیدا کند و حتی می‌تواند ماهیت زیست‌محیطی و ماهیت امنیتی بیابد.

تهدید نظامی<sup>۲</sup> ملموس‌ترین نوع تهدید است. تهدید نظامی اغلب همه موارد تشکیل‌دهنده کشور را (سرزمین، جمعیت، حکومت و حاکمیت) مورد هدف قرار می‌دهد. همچنین این نوع تهدیدات، طیف گسترده‌ای را دربر می‌گیرد که هر کدام از آنها نسبت به دیگری با شدت متفاوتی امنیت ملی کشور را به خطر می‌اندازد. ترور، شورش، تجزیه‌طلبی، شرارت‌های منطقه‌ای، کودتای نظامی، سطوح مختلف

1. The nature of threats  
 2. Military threat

جنگ و مداخله نظامی - خارجی، انواع مختلف تهدیدات نظامی به شمار می‌روند. به این نوع تهدیدات، تهدیدات سخت نیز گفته می‌شود.

تهدید اجتماعی و فرهنگی:<sup>۱</sup> ظریف‌ترین تهدیدات است و به همین دلیل از آن به تهدیدات نرم یاد می‌کنند. فرهنگ و ارزش‌های مشترک در جامعه از عوامل پایدار و قوام آن جامعه به شمار می‌رود. تهدید اجتماعی و فرهنگی به هویت و ارزش‌های جامعه معطوف است و اعتیاد، نفوذ فرهنگ بیگانه، استحاله فرهنگی، تعارض نسل‌ها، شکافهای اجتماعی، بی‌اعتمادی، ابتذال و فساد، تضعیف باورهای اعتقادی، اباحه‌گری، رفاه‌زدگی و رشد مادی‌گرایی و نزول آرمان‌خواهی در جامعه و... از جمله مصداق‌های تهدیدات نرم است. قابل ذکر است که این موارد زمانی، تهدیدات امنیت ملی ارزیابی می‌شود که به جریانی فراگیر و مداوم تبدیل شود.

تهدید سیاسی<sup>۲</sup> به ثبات قدرت سیاسی محدود است. حاکمیت و شکل حکومت دو عنصر اساسی قدرت سیاسی هر کشور است. کاهش مشروعیت و مقبولیت، مشارکت و نفوذ نظام سیاسی، عدم وحدت و انسجام رهبری، عدم اجماع در قوای سه‌گانه، نفوذ قدرتمندان اقتصادی بر مصادر سیاسی، ساختار سیاسی ناهمگون، براندازی، تغییر رژیم، تغییر قانون اساسی، نفوذ مخالفان در قدرت و... مهم‌ترین موارد تهدید سیاسی به شمار می‌رود.

تهدید اقتصادی<sup>۳</sup> در مقایسه با تهدیدات دیگر، ماهیتی پیچیده و چندوجهی دارد. برخی از صاحب‌نظران، تهدید اقتصادی را درزمره تهدیدات امنیت ملی نمی‌دانند، اما کشورهایی که رفاه اقتصادی برای آنها هدفی حیاتی تلقی می‌شود، هر تحولی در آن به مثابه تهدیدی علیه امنیت ملی آنها ارزیابی می‌شود. اساساً اقتصاد در عصر جدید از عناصر پایدار و ثابت هر نظام سیاسی است و لذا تحولات و دگرگونی‌های اقتصادی می‌تواند نظام‌های سیاسی را متزلزل کند. به همین دلیل از حربه‌های کارآمد قدرت‌های بزرگ در برابر دولت‌های مخالف، ابزار تحریم اقتصادی است.

تهدیدات زیست‌محیطی: نگاهی اجمالی به تحولات و وقایع جوامع بشری نشان می‌دهد که مباحث زیست‌محیطی از مؤلفه‌هایی است که بسیاری از تهدیدات مطرح علیه جوامع بشری از آنها نشئت می‌گیرد. این تهدیدات، هرچند در ظاهر، بعد غیر امنیتی دارد و صرفاً تهدیداتی طبیعی جلوه می‌کند، اما در عمل، تهدیداتی است که امنیت جامعه و در نتیجه امنیت ملی کشورهای محل وقوع را تحت تأثیر

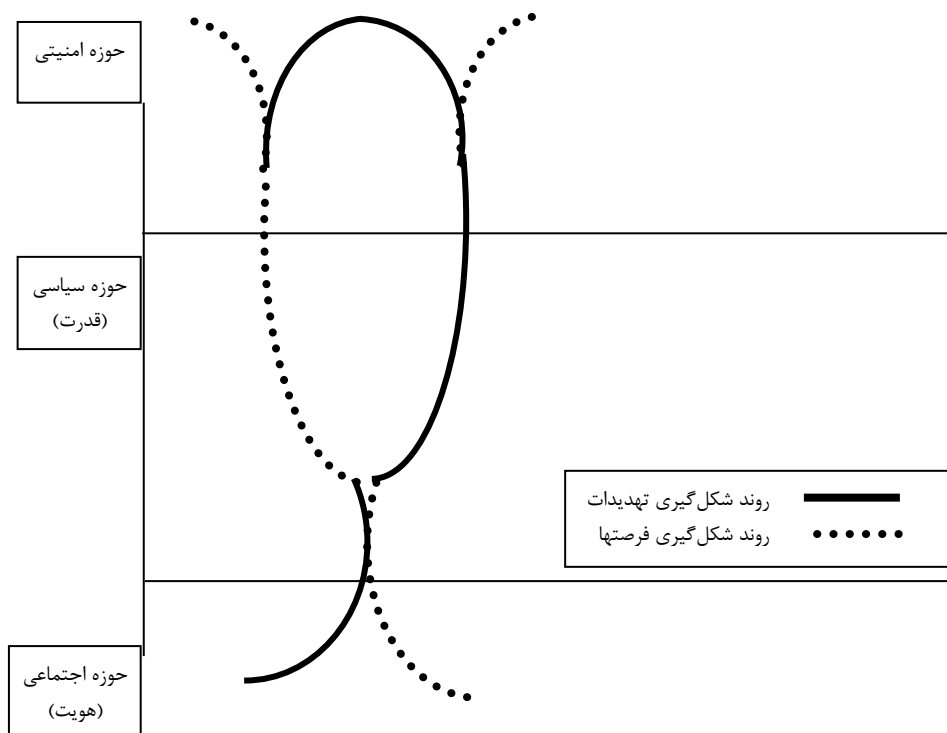
1. Social and cultural threat  
2. Political threat  
3. Economic threat

قرار می‌دهد. آثار و پیامد حوادثی مانند سیل سال ۲۰۱۰ پاکستان، سونامی ۲۰۰۴، توفان کاترینا و... بر امنیت کشورهای محل وقوع، بسیار قابل توجه بود و در اغلب موارد از آثار و پیامدهای جنگ‌های این کشورها فراتر بوده است (لطفی و نامی، ۱۳۹۰: ۶).

تهدیدات ترکیبی: امروزه ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جوامع بشری آنچنان بهم وابستگی متقابل دارد که هر نوع تهدید در یک بعد، ابعاد دیگر را نیز در معرض تهدید قرار می‌دهد؛ یعنی تهدید سیاسی می‌تواند زمینه‌ساز تهدید نظامی و یا نتیجه تهدید اقتصادی باشد یا تهدید فرهنگی زمینه‌ساز تهدید سیاسی و مآلاً تهدیدات نظامی را به دنبال داشته باشد.

### چگونگی شکل‌گیری تهدیدات

هیچ پدیده‌ای بدون مقدمه شکل نمی‌گیرد. ویل دورانت معتقد است هیچ کدام از آداب و رسوم امروز بشر را نمی‌توان یافت که در گذشته ریشه نداشته باشد (تصویر ۷).



تصویر ۷: چگونگی شکل‌گیری تهدیدات امنیتی

## مصادق‌شناسی تهدیدات<sup>۱</sup>

در بسیاری اوقات بین مسائل امنیتی، غیرامنیتی و یا ضدامنیتی و تهدید و غیرتهدید اشتباه صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، گاهی اوقات مفاهیمی مانند آسیب، مشکل، خطر، بحران و تهدید به جای همدیگر استفاده می‌شود و این در حالی است که هر یک از این مفاهیم به امری متمایز از دیگری دلالت دارد.

## آسیب<sup>۲</sup>

آسیب در قاموس فارسی به معنای آزار، گزند، درد، رنج، صدمه، زیان و خسارت و در اصطلاح، تمام کمبودها و یا کاستی‌هایی است که جنبه داخلی دارد و از ناحیه درون به تضعیف ضریب امنیتی جامعه می‌پردازد. آسیب‌شناسی که از ریشه یونانی Patho به معنای رنج، محنت و احساسات غضب و Logy به معنای دانش و شناخت ترکیب یافته است، به معنای ناخوش‌شناسی، مرض‌شناسی، علم تشخیص امراض، مطالعه عوارض و نشانه‌های غیرعادی به کار می‌رود. آسیب‌شناسی در اصطلاح علوم طبیعی، مطالعه و شناخت ریشه بی‌نظمی‌ها در ساختار انسانی در مشابَهت کالبد انسانی با کالبد جامعه است. اصطلاح آسیب‌شناسی اجتماعی برای مطالعه و ریشه‌یابی بی‌نظمی‌های اجتماعی و انحرافات و بیماری‌های اجتماعی به کار می‌رود. بنابراین، آسیب‌ها شامل نقاط ضعف، کمبودها، کاستی‌ها و شکاف‌ها و ناهنجاری‌هایی است که در کشور وجود دارد و می‌تواند ضریب امنیتی را کاهش دهد. از این نظر اگر بتوان آنها را در چارچوب ضوابط موجود و با اتکا به توانمندی‌های بالفعل حل و فصل کرد، اطلاق عنوان موضوع امنیتی بر آن کاملاً نادرست است و از همین رو یکی از مهم‌ترین محورهای مورد توجه متخصصان و مجریان جنگ‌های روانی، یافتن نقاط ضعف و آسیب‌پذیر دشمن به منظور طراحی عملیات و هجوم بر آن نقاط است.

متخصصان جنگ‌های روانی با نشانه‌گذاری و مشخص کردن آن نقاط و بزرگ و عمده کردن آنها خواهند توانست ضربات تخریبی، کوبنده و کارسازی بر روحیه و پیکره دشمن وارد کنند، زیرا آسیب‌پذیری به هر موقعیت و حالتی اطلاق می‌شود که هویت فردی و یا جمعی را مستعد خسارت، فریب و شکست می‌سازد. جان کالینز درباره آسیب‌پذیری یک ملت می‌نویسد: «میزان حساسیت هر ملت و یا نیروی نظامی به گونه‌ای که بتوان با به کارگیری توان و ابزار نظامی و غیره از توان و کارایی آن ملت و نیروی نظامی کاست».

1. Associative Threats  
2. Damage

به اعتقاد باری بوزان جدا کردن تهدیدها و آسیب‌پذیری‌ها گویای تقسیم مهمی در سیاست امنیت است. به عبارت دیگر سیاست امنیت ملی می‌تواند بر مسائل داخلی متمرکز شود و در پی کاهش آسیب‌پذیری‌های خود دولت یا حالت تمرکز بر مسائل خارجی داشته و درصدد کاهش تهدید خارجی از طریق منابع ذی‌ربط آن باشد. در واقع، این بیان بدین معناست که امنیت، تعامل میان تهدیدات و آسیب‌پذیری‌هاست (تاجیک، ۱۳۷۶).

برای یافتن آسیب‌پذیری‌ها و قضاوت در مورد اینکه دشمن از کدام نقطه ضربه را وارد می‌آورد، الگوی از پیش تعریف شده‌ای وجود ندارد. کشورهای مختلف دارای نظام‌های ارزشی - هنجاری متفاوت هستند و در نتیجه فهم و درک متفاوتی از فعالیت‌های سیاسی دارند و آسیب‌پذیری‌های خود را نیز بر همین اساس تعریف می‌کنند. اساس و بنیان سوء برداشتها در شناسایی آسیب‌پذیری‌ها نیز در همین مسئله نهفته است. در عین حال از جمله نقاط آسیب‌پذیری که مورد توجه دشمن و مخالفان هر نظام سیاسی قرار می‌گیرد، این موارد است:

در بعد اقتصادی: شکاف فرهنگ اقتصادی جامعه و واقعیت‌های اقتصادی موجود و وجود اقتصاد بیمار و بی‌ثبات، شکاف فقیر و غنی و...؛

در بعد نظامی: روابط خصمانه بین فرماندهان و زیردستان، نبود نظم، نبود آگاهی‌های سیاسی و عقیدتی کافی، وجود تبعیض بین نیروهای مسلح و...؛

در بعد سیاسی: عدم ثبات سیاسی، ناامنی سیاسی، سیطره و نظارت‌نداشتن حکومت مرکزی بر تمام نقاط و مسائل گوناگون کشور، انشقاق و اختلاف سیاسی؛

در بعد اجتماعی: اصول اخلاقی حاکم بر روابط اجتماعی، برتری‌دادن منافع شخصی، گروهی و قومی بر منافع و مصالح ملی و ایدئولوژیک و وجود اختلاف دینی، مذهبی، نژادی و طبقاتی و... (مرادیان، ۱۳۸۸: ۱۷۸).

### خطر<sup>۱</sup>

آیا «خطر» همان تهدید است؟ بسیاری، مفهوم «خطر» و «تهدید» را مترادف به کار می‌برند و هیچ‌گونه تمایز و یا تعاملی بین این دو نمی‌بینند. در حالی که تفاوت ظریفی میان خطر و تهدید وجود دارد. خطر در لغت نزدیکی به هلاکت و نابودی است. از همین رو، خطر چیزی نیست مگر تهدید بالفعل و به همین ترتیب، برخی تهدید را خطر بالقوه تعریف می‌کنند؛ لذا وقتی تهدیدات از شکل ذهنی و

1. Risk

انتزاعی خود خارج می‌شود و به اصطلاح، بیخ گوش هدف قرار می‌گیرد، عینیت پیدا می‌کند، زمانی است که خطر پدیدار می‌شود. با این تعریف مشخص شد که مسائلی که در زمره آسیب‌ها به‌شمار می‌آید، نباید اطلاق «خطر» به آنها داده شود؛ زیرا آسیب‌ها یک رتبه پایین‌تر هستند. در واقع، آسیب‌ها در هر واحد سیاسی این امکان را دارد که به تهدید تبدیل شود و تهدیدات نیز ممکن است به حوزه مسائل خطرناک وارد گردد. به‌عنوان مثال، عنصر رضایت در جامعه ممکن است دچار آسیب شود؛ یعنی زمانی که در جامعه تعدادی از افراد ناراضی باشند، این آسیب به‌شمار می‌رود، اما زمانی که این ناراضی‌ها افزایش یابد و ثبات و امنیت جامعه را مورد هدف قرار دهد به چنین وضعیتی تهدید اطلاق می‌شود. حال اگر این وضعیت صورت بالفعل پیدا کند و به اغتشاشات و تحرکات خیابانی منجر شود، در واقع، تهدید فعلیت یافته و به خطر تبدیل شده است (معاونت سیاسی نیروی مقاومت بسیج، بی‌تا: ۳۴).

#### بحران<sup>۱</sup>

«بحران» یکی دیگر از مفاهیمی است که با «تهدید» ارتباط بسیار زیادی دارد. بحران از ریشه یونان Krinon به معنای نقطه عطف به‌ویژه در مورد بیماری و همچنین به معنای بروز زمان خطر در مورد مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گرفته شده است. تعاریف مختلفی از بحران شده است؛ از جمله: ۱. هرگاه پدیده‌ای به‌طور منظم جریان نیابد و حالتی از نابسامانی ایجاد شود یا نظمی مختل شود و یا حالتی غیر طبیعی پدید آید، بحران مطرح می‌شود. ۲. به‌وجود آمدن حالت غیر معمول یا غیر متعارف در جریان حرکت سامانه یا نظام. ۳. شرایط و اوضاع یا دوران خطرناک و فاقد امنیت. ۴. هر نوع بی‌ثباتی که به تغییرات اساسی منجر شود. ۵. یک ضربه شدید به سامانه بین‌المللی که آن را از تعادل خارج می‌کند یا نوعی مرز، نقطه عطف با گردش و یا دسته‌ای حوادث و وقایع که به سرعت به‌وجود می‌آید و تعادل نیروها را در سامانه کلی بین‌المللی یا سامانه‌های فرعی، بیشتر از حد متعارف برهم می‌زند و شانس و امکان تشدید تخاصم در نظام را افزایش می‌دهد (کاظمی، ۱۳۸۹: ۱۵).

این تعاریف نشان می‌دهد که تهدید یکی از ویژگی‌های ذاتی بحران‌هاست. در این زمینه، «آنتونی واینرو» و «هرمان کان» در تحقیقی علمی، دوازده ویژگی را برای بحران ذکر می‌کنند که از جمله آنها این است که بحران تهدیدی واقعی نسبت به هدف‌ها و مقاصد و عوامل دیگر است (قائدی، ۱۳۸۲: ۳۷). یکی از تعاریف مناسب و گویا از بحران به تعریفی مربوط است که واژه بحران را معادل فرصت خطرناک، یعنی ترکیبی از تهدید و فرصت دانسته است (معاونت سیاسی نیروی مقاومت بسیج، بی‌تا:

1. The crisis

۲۴). در یک نگاه، بحران، مقوله‌ای است که همه جوامع کم‌وبیش با توجه به ماهیت و فعالیتشان به گونه‌ای با آن روبه‌رو هستند. یکی از راهکارهای مهم در مدیریت بحران‌ها، تهدیدشناسی است که باید چارچوب و بستر لازم آن را شناسایی و فراهم کرد و نقشه خطرپذیری تدوین شود. تهیه نقشه خطرپذیری در پیشگیری و حتی مدیریت بحران از ضروریات است که علاوه بر تهیه نقشه، نیازمند سیاست‌گذاری درست و وجود ساختار مناسب است. این نقشه‌ها در تهدیدشناسی باید کاربردی و عملیاتی باشد (جدیدی، ۱۳۹۵: ۱۹۴). از سوی دیگر، بحران از دیدگاه روش تصمیم‌گیری به وضعیتی گفته می‌شود که سه جزء اصلی دارد:

۱. تهدید: وضعیتی که هدف‌های عالی و حیاتی واحد تصمیم‌گیرنده را تهدید می‌کند.
  ۲. زمان: زمان واکنش را برای تصمیم‌گیری محدود می‌کند.
  ۳. غافلگیری: عناصر و عوامل تصمیم‌گیرنده را با بروز ناگهانی خود غافلگیر می‌کند.
- با لحاظ کردن شدت تهدید، تداوم زمانی و درجه آگاهی، بحران‌ها را می‌توان به بحران‌های شدید، نوظهور، کند، ویژه، انعکاسی، برنامه‌ای (عمدی)، عادی و اداری تقسیم کرد (کاظمی، ۱۳۸۹: ۳۳).
- بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بحران‌ها حاصل عوامل تهدیدساز است. هر قدر تهدیدات، سطوح ارزش‌های حیاتی نظام را هدف قرار دهد، در پی آن، وضعیت بحرانی نیز شدیدتر می‌شود. به عبارت دیگر، برای شناخت بحران‌ها به شناخت تهدیدات و درجه تهدیدات نیاز است. برای بهتر شناختن وضعیت‌های مختلف در هر واحد سیاسی و یا چگونگی تبدیل یک مسئله به موضوع امنیتی به آگاهی از معیارها و ملاک‌های دقیق وضعیت‌های مختلف نیاز است.

#### شاخص‌های جداسازی تهدیدات

- برای اینکه یک مسئله در داخل کشور به موضوع امنیتی یعنی آسیب یا مشکل، تهدید یا خطر و بحران تبدیل شود، حداقل سه شاخص اصلی را باید مدنظر قرار داد:
۱. زمان: این شاخص به طول دوره‌ای اشاره دارد که یک مسئله حل نشده مانده است.
  ۲. تعداد: این شاخص به افرادی مربوط است که تحت تأثیر مسئله هستند.
  ۳. ضریب تأثیر: این شاخص به برآورد و درجه تأثیرپذیری ارزش‌های هر واحد سیاسی معطوف است. ارزش‌های هر واحد سیاسی به چهار دسته طبقه‌بندی می‌شود. این ارزش‌ها حیاتی (که اصولاً با بقای واحد سیاسی درگیر است) است. ارزش‌های حیاتی، مهم و ارزش‌های حاشیه‌ای (قبلاً بیان شد) (باقری و یوسفی، ۱۳۸۷: ۴۳).



۱. وضعیت آسیب‌ها یا مشکلات: در این وضعیت مدت زمان وجود آسیب و حل‌نشده ماندن آن و همچنین تعداد افراد تحت تأثیر آن اندک است؛ به عبارتی هر دو بعد غیرفعال است؛ اما از سوی دیگر، ارزش‌های مهم و حیاتی مورد هدف است. ترکیب این سه عنصر بار امنیتی آن را کم می‌کند، اما در عین حال امکان طرح در حوزه مباحث امنیتی را دارد.
۲. وضعیت تهدید و خطر: در این وضعیت یکی از دو بعد زمان یا تعداد به صورت فعال در می‌آید و ارزش‌های حیاتی و فوق‌حیاتی به مخاطره افتاده است. از این رو، بار امنیتی این وضعیت به این دلیل که یکی از ابعاد را ندارد در زمره موضوعات متعارف مباحث امنیتی قرار می‌گیرد.
۳. وضعیت بحران: در این وضعیت یک مسئله از همه ابعاد سه‌گانه برخوردار است؛ یعنی زمانی که مسئله به وجود آمده حل‌نشده مانده و در عین حال تعداد تحت تأثیر آن دچار توسعه شده و به تدریج این ارزش‌های حیاتی را مورد هدف قرار داده است؛ طولانی است و به همین دلیل، بحران‌ها همیشه موضوع انحصاری مباحث امنیتی را تشکیل می‌دهند (معاونت سیاسی نیروی مقاومت بسیج، بی تا: ۲۴).

### جمع‌بندی

مسئله این است که یک تهدید چه موقع به موضوع امنیت ملی تبدیل می‌شود. این به نوع تهدید، چگونگی نگرش به آن و نیز میزان جدی بودن آن بستگی دارد. عوامل مؤثر در جدی بودن تهدید عبارت است از: ۱. مشخص بودن هویت آن، ۲. قریب‌الوقوع بودن یا نزدیکی آن از لحاظ فاصله، ۳. شدت احتمال وقوع آن، ۴. میزان پیامد احتمالی آن، ۵. اینکه آیا اوضاع و شرایط تاریخی باعث تقویت آن تهدید می‌شود یا خیر. چنانچه از دیگر نظریات، وضعیت مساوی باشد، هر قدر تهدید جدی‌تر باشد، استناد به امنیت ملی برای کاهش در برابر آن مشروع‌تر خواهد بود. البته مسئله این است که همه این متغیرها قابل اندازه‌گیری نیست و یا حتی نمی‌توان آنها را به دقت برآورد کرد و اغلب در حالت پیچیده‌ای رخ می‌دهد که سبک و سنگین کردن آنها در طیف جدی تهدیدات، بسیار مشکل می‌نماید. با این حال، انواع دیگری از تهدید هست که از لحاظ زمانی پیچیده‌تر است. هیچ کس به درستی نمی‌داند تغییرات شدید آب‌وهوا در آینده چقدر جدی است و نمی‌توان با قاطعیت گفت که برای رعایت نسبت هزینه‌ها و کارایی لازم، چه موقعی باید واکنش نشان داد. محاسبه میزان احتمال وقوع اغلب تهدیدات امنیت ملی از کارهای بسیار مهم است.

در مقام ارزیابی تهدیدات، مسئله احتمالات را باید با پیامدهای آن سنجید. آیا اگر تهدید عملی

شود، پیامدهای جدی به دنبال خواهد داشت؟ برآورد تهدید به این سبک، از مسائل اساسی سیاست امنیتی است. ارزیابی دقیق خطر یا احتمال بروز آن نیازمند توانایی کافی پیش‌بینی است که در روابط بین‌المللی، این توانایی وجود ندارد. تهدیدات همچنین بُعد تاریخی دارد که به پیچیدگی ارزیابی می‌افزاید. یک جنبه از این امر مربوط است به اینکه چگونه به تهدیدها نگرسته می‌شود. تهدیدی که با تجربه تاریخی دولتی جور باشد، ممکن است در حساسیتی که ایجاد کرده است، به راحتی شدت یابد.

### منابع

۱. آزر، ادوارد و چون، این‌مونگ (۱۳۷۷)، ابعاد نرم‌افزاری امنیت ملی: مشروعیت، انسجام و ظرفیت سیاسی، سیاست دفاعی، ش ۲۲.
۲. آزر، ادوارد و چون، این‌مونگ (۱۳۷۹)، امنیت ملی در جهان سوم، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: مرکز مطالعات راهبردی.
۳. آشوری، داریوش (۱۳۸۷)، دانشنامه سیاسی، چ شانزدهم. تهران: نشر مروارید.
۴. افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)، کالبدشکافی تهدید، تهران: مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی دانشگاه امام حسین (ع).
۵. ایکنبری، جی.جان (۱۳۸۲)، تنها ابرقدرت، هژمونی امریکا در قرن ۲۱، ترجمه علی‌رضا فضلی‌پور، تهران: مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر.
۶. باقری، سیامک و یوسفی، جعفر (۱۳۸۷)، مهندسی عملیات روانی، بازخوانی مطالعات و ایده‌پردازی، ویژه‌نامه تأثیر، تهران: معاونت فرهنگی و تبلیغات دفاعی ستاد کل نیروهای مسلح.
۷. بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها، هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۸. بوزان، باری و ویورالی، دووولد پاپ (۱۳۸۶)، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علی‌رضا طیب. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۹. بوزان و دیگران (۱۳۸۶)، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علی‌رضا طیب. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۰. تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۶)، مدخلی بر مفاهیم و رویکردهای امنیت ملی، مجموعه مقالات

- ارائه شده در همایش توسعه و امنیت عمومی، تهران: معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور.
۱۱. تریف، تری و دیگران (۱۳۸۳)، مطالعات امنیتی نوین، ترجمه علی رضا طیب و وحید بزرگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۲. جدیدی، احمد (۱۳۹۵)، پدافند غیرعامل؛ مدیریت بحران در عرصه تهدیدات دفاعی - امنیتی. فصلنامه مدیریت بحران، س هشتم، ش ۲۸.
۱۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت نامه، ج ششم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۴. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳)، نظریه های امنیت، ج ۱، تهران: مؤسسه مطالعات راهبردی.
۱۵. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳)، نظریه های امنیت، مقدمه ای بر طرح ریزی دکترین امنیت ملی، تهران: مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر.
۱۶. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۵)، بررسی و نقد نظریه امنیتی ساختن، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۳۳.
۱۷. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۶)، تهدیدات امنیت ملی شناخت و روش، تهران: مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر.
۱۸. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۹)، فرهنگ استراتژیک، تهران: مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر.
۱۹. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۶)، مبانی تروریسم شناسی، مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر.
۲۰. قائدی، محمدرضا (۱۳۸۲)، مؤلفه های نظری بحران، مجله راهبرد، ش ۲۸.
۲۱. کاستلز، امانوئل (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات، قدرت و هویت، ج دوم، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
۲۲. کاظمی، سیدعلی اصغر (۱۳۸۹)، مدیریت بحران های بین المللی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی: ۱۵.
۲۳. گروه مطالعاتی امنیت (۱۳۸۷)، تهدیدات قدرت ملی، شاخص ها و ابعاد، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۲۴. گروه مطالعاتی امنیت (۱۳۸۷)، نظریه امنیت جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۲۵. متقی، ابراهیم (۱۳۸۹)، گونه شناسی تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه آفاق

امنیت، س سوم، ش هشتم.

۲۶. مرادیان، محسن (۱۳۸۸). تهدیدات، اصول و مبانی، تهران: انتشارات شهید صیاد شیرازی.

۲۷. معاونت سیاسی نیروی مقاومت بسیج (بی‌تا)، گونه‌شناسی بحران‌ها و راهبردهای آن. تهران: نیروی مقاومت بسیج.

۲۸. معاونت سیاسی سپاه (۱۳۹۰). برآورد تهدیدات امنیت ملی و سازمان عقیدتی سیاسی، حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه. تهران: حوزه نمایندگی ولی فقیه.

۲۹. مکنزی، کنت (۱۳۸۲)، جنگ نامتقارن، ترجمه عبدالحمید حیدری و محمد تمنایی، تهران: دوره عالی جنگ سپاه.

۳۰. هاشمی، سیدحمید (۱۳۹۰)، جنگ نرم در دنیای معاصر، دفتر مطالعات فرهنگی و برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

1. Brauch H.G. (2011) Concepts of Security Threats, Challenges, Vulnerabilities and Risks. In: Brauch H. et al. (eds) Coping with Global Environmental Change, Disasters and Security. Hexagon Series on Human and Environmental Security and Peace, vol 5. Springer, Berlin, Heidelberg.
2. Premaratne, Upeka (8 September 2016). "Reconciling the Irreconcilable: The Use of Reasonable Consequentialism for the Conundrum of National Security and Fundamental Rights". Retrieved 11 November 2016.